

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

شماره ۷۱

خرداد ماه ۱۳۹۱ ژوئن ۲۰۱۲

toufan@toufan.org www.toufan.org

تشدید کنترل زنان "بد حجاب" یا کنترل سیاسی جامعه؟ ص. ۲

بن بست اقتصادی و فاز دوم حذف یارانه ها و افزایش فشار به کارگران و زحمتکشان ص. ۳

گرانی افسار گسیخته ص. ۵

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)
ص. ۶



یادداشتی کوتاه از یک رفیق هم‌رزم در وصف رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) ص. ۸

توطئه‌ی امپریالیسم علیه‌ی سوریه ادامه دارد ص. ۹

حقوق بشر و حقوق ملل ص. ۱۰

علیرضا نوری زاده خبرنگاری بی شرم و خودفروخته ص. ۱۱

نیکسون در لنین گراد ص. ۱۲

زندانی کردن دکتر فریبرز رئیس دانا را محکوم می کنیم و
خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان هستیم ص. ۱۴

محمد علی افراشته شاعر زحمتکشان ص. ۱۴



کاری کردیم که: سارکوزی شکست خورد ص. ۱۵

آنچه که فروپاشید سوسیالیسم نبود ص. ۱۶

خروج یونان از اتحادیه اروپا نخستین گام برای حل بحران ص. ۱۷

گزارش کوتاهی از تظاهرات اول ماه مه ص. ۱۸

تشدید کنترل زنان "بد حجاب" یا کنترل سیاسی جامعه؟



صحنه‌ای از برخورد وحشیانه و ضد انسانی گشت‌های نیروی انتظامی (گشت ارشاد) با زنان به بهانه‌ی بدحجابی و رهگذران در نمایشگاه کتاب تهران

هر ساله با فرارسیدن فصل تابستان خون جمهوری اسلامی به جوش می‌آید. حجاب زنان به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و مشغله‌ی فکری خلفای اسلامی تبدیل می‌شود. مردم ایران با چهره‌ها و منش و رفتار کثیف این مدافعان "عفت" عمومی آشنائی دارند. هر کس یکبار با آنها روبرو شده و صحبت کرده باشد از لحن و شیوه‌ی بیان آنها پی به خاستگاه اجتماعی آنها برده، این را می‌فهمد که "حزب الله" چه در قالب نیروی سیاه پوش انتظامی همراه با چهره‌ی پوشیده از ماسک و چه در قالب لباس شخصی پوش‌ها و یا نیروی ثارالله.... چیزی جز جمع اخلاف قداره بندانی نظیر "حسین رمضان یخی" و "شعبان بی‌مخ" و "طیب خان" و انگل‌های دیگری از این دست، نیست.

روزگاری آنها به اتفاق نوچه‌ها و امثال شمس قنات آبادی‌ها برای کاشانی و اسلامش سینه خالکوبی شده‌ی خود را چاک می‌دادند و امروز اینها که خود سوابق طولانی در ترویج فحشا و تغذیه از چنین لجنزاری را دارند برای احمدی نژاد و اسلامش و نظام "ناموس پرست" جمهوری اسلامی یقه درانده دست به ضرب و شتم زنان و جوانان می‌زنند. لمپن حزب الله که این روزها در هیبت نیروی انتظامی ظاهر گشته و با جامه‌ی سیاه به ترکتازی مشغول است، پوسیده‌ترین و عقب مانده‌ترین گروه اجتماعی در جامعه‌ی سرمایه‌داری و محصول تعفن و گندیدن تدریجی تحتانی‌ترین لایه‌های اجتماعی یعنی خرده بورژواهای ورشکست شده و کارگران از تولید جدا مانده و دهقانان مهاجر و به ولگردی کشیده شده است. کسانی که هیچ نقش ثابت اجتماعی در تولید و توزیع نداشته محل گذران زندگیشان غیر مشخص و مشکوک است و بسیاری از این جماعت به استخدام دولت لمپن جمهوری اسلامی در آمده‌اند. این تیپ فاقد شخصیت اجتماعی، مستعد ترین گروه برای جمع شدن حول کیسه‌ی پول نفت، کثیف‌ترین و مرتجع‌ترین و فاشیست‌ترین جناح بورژوازی است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به راحتی می‌تواند آنها را بخرد و به خدمت گیرد. زیرا هر جا که دولت احساس خطر کند او آمادگی کامل برای دست زدن به هر جنایتی را دارد. زمانی به دست سرلشکر زاهدی و اشرف پهلوی و با وسوسه‌ی دلارهای آمریکائی عامل "قیام ملی" علیه مصدق و جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران می‌شود و زمانی دیگر به دست کسانی نظیر بهشتی، رفسنجانی و امروز احمدی نژاد به انتقام‌گشی از مردم می‌پردازند. دزدها، جیب برها، قاچاقچیان، قوادان، باج خواران (نظیر ماشاالله قصاب)، دوره گردان و.... به این تیپ اجتماعی تعلق دارند. انقلابی که طبیعتاً می‌بایست به عمر چنین مشاغل و تیپ‌هایی خاتمه دهد با فروغ‌طیپ‌نش به زیر رهبری بورژوازی تجاری به‌ترین زمینه‌ها را برای رشد آنها فراهم ساخت. بحران عمیق اقتصادی، ناامنی سیاسی و فرهنگی نه تنها پس از ۳۳ سال فروکش نکرد بلکه بر اثر سیاست‌ها و عملکردهای ناگزیر نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، زمینه‌ی تقویت "لمپنیسم" را فراهم نمود.

سرکوب و بی حرمتی به زنان در خیابان‌ها در قالب مبارزه با "بدحجابی" گوشه‌ای از عملکرد ضد بشری جمهوری اسلامی علیه مردم به ویژه زنان است که با فرارسیدن فصل تابستان به منظور کنترل سیاسی جامعه، تمرین و سان دادن نیروهای سرکوب نظام صورت می‌گیرد. رژیم لمپن اسلامی که ناامن‌ترین و اسفناک‌ترین شرایط اقتصادی و سیاسی را برای عموم مردم زحمتکش آفریده و هشتاد درصد را به زیر خط فقر رانده است، نمی‌تواند مدعی دفاع از "عفت و امنیت اجتماعی" باشد. فحشا، اعتیاد و همه‌ی مفاسد دیگر اجتماعی یک ریشه دارند و این روشن است که ریشه‌ی این پدیده‌ها بی حجابی و یا "بد حجابی" نیست. ریشه‌ی مشترک فحشا، دزدی و جنایت و کلاهبرداری در سیستم بحران زده‌ی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است که با شیوه‌ی مافیائی و غارت و چپاول نفت کشور، فقر عظیمی در جامعه ایجاد کرده به طوری که از کشور "عقیف اسلامی" صدها دختر زیر پانزده سال به ممالک شیخ نشین صادر می‌گردد و فحشا در چنین ابعاد گسترده‌ای در صد سال اخیر در ایران بی سابقه بوده است. از سوئی مگر تعدد زوجات و صیغه‌ی موقت مشروعیت بخشیدن به فحشا نیست؟ حقیقت این است که برای روحانیت حاکم و آیت‌الله‌ها با شیوه‌ی تفکر اسلامی، زن چیزی جز پاسخگوی نیازهای جنسی مردان و تولید کننده‌ی صرف فرزندان و برده‌ی خانگی نیست. مبارزه با فحشا در حرف اما مشروعیت دادن به فحشا در قالب صیغه‌ی موقت چیزی جز انحصار دلالتی معاملات پر رونق و پر درآمد در دست ملایان نیست. ملاهای ما حاضرند هر امر "حرامی" را با یک ورد حلال کنند. اما این نه نشانه‌ی محبت آنان به "مؤمنینی" هرزه بلکه نشانه‌ی حرص و ولع سیری ناپذیر آنها در کسب پول بیشتر حتا از طریق انحصار قوادی است.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در انفراد کامل به سر می‌برد و از داخل و خارج، خود را در محاصره می‌بیند. سرکوب و وحشیانه‌ی کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و همه‌ی محرومان جامعه ناشی از ضعف و ناتوانی اوست و بگیر و ببندهای اخیر آماده باش مجدد به دار و دسته‌ی جنایتکارش است که مبادا کنترل اوضاع را از دست دهند. لیکن گره رژیم با سرکوب زنان گشوده نخواهد شد. بحران رژیم با سرکوب و توهین و تحقیر جوانان حل نخواهد شد. سرکوب زنان و جوانان شعله‌ی خشم و نفرت علیه‌ی خلفای حاکم را هنوز عمیق‌تر خواهد کرد. انقلابات و قیام‌های معاصر ایران نشان داده‌اند که زنان نقش شایسته‌ای در نبرد علیه‌ی ارتجاع و امپریالیسم داشته‌اند و این بار نیز زنان ایران سهم بزرگی در سرنگونی رژیم زن ستیز اسلامی و استقرار آزادی به عهده خواهند گرفت. حزب ما سرکوب خشن و فاشیستی زنان را که در قالب مبارزه با "بدحجابی" صورت می‌گیرد شدیداً محکوم می‌کند و این اقدامات جنون آمیز و بربرمنشانه را نشانه‌ای از ضعف و درماندگی کاربدستان جمهوری اسلامی که تنها راه بقای منحوس خویش را تشدید سرکوب و ارباب مردم می‌بیند. جمهوری اسلامی در مقابل جنبش متحد کارگران و زنان و عموم زحمتکشان در هم خواهد شکست و جز این نیز نخواهد بود.

آزادی واقعی زن در گرو پیروزی سوسیالیسم است

بن بست اقتصادی و فاز دوم حذف یارانه ها و افزایش فشار به کارگران و زحمتکشان

"باید جامعه نمونه‌ی اسلامی عاری از فقر و تبعیض در کشور ایجاد کنیم".

احمدی نژاد انتخابات ۸۴

"بازار آزاد و نظام سرمایه‌داری یک دروغ بزرگ به نفع دزدها و متخلفان است... اقتصاد سرمایه‌داری به سمت دره در حال حرکت است و نظام سرمایه‌داری پایان خوشی ندارد چون ذات آن بر عدالت نیست." محمود احمدی نژاد در مراسم معرفی رئیس بانک مرکزی ۱۵ مهر 87

واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
حافظ

خوب است حافظ شاعر گرانقدر و زجر کشیده از واعظان و زاهدان ریانی در زمان ما حضور ندارد تا ببیند چگونه این زاهدان و واعظان در روز روشن و در مقابل چشم مردم آن کار دیگر را می‌کنند. همه‌ی جناح‌ها و باندهای مافیائی غالب و مغلوب و مغضوب در جمهوری اسلامی هر چند بر سر سهم بیشتر از غارت و چپاول مردم و یا نحوه‌ی حفظ نظام سرمایه‌داری اسلامی با هم اختلاف نظر دارند ولی در اجراء سیاست‌های نو لیبرالیستی دیکته شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با هم وحدت نظر دارند. سیاست خصوصی سازی صنایع ملی و معادن و راه‌ها و کشت و صنعت‌ها و بانک‌ها و آب و برق و بهداشت و درمان و آموزش و سیستم حمل و نقل زمینی و هوائی و دریائی و غیره به یک مشت دزد سرمایه‌دار معمم و مکلا و تغییر قانون کار در جهت منافع سرمایه‌داران و ممانعت از استخدام رسمی و گسترش شرکت‌های پیمانکاری و رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء، حذف تعرفه‌های گمرکی و باز کردن مرزهای کشور برای واردات همه گونه کالای مصرفی و لوکس و بنجل و بالاخره حذف سوبسیدها و آزاد سازی قیمت‌ها اگر در جهت گسترش شکاف طبقاتی و تبعیض به نفع طبقه‌ی سرمایه‌دار بخصوص سرمایه‌داری تجاری و مالی و بوروکراتیک و باندهای مافیائی نظامی و امنیتی نیست، پس چیست؟

سحام نیوز می‌نویسد: "با وجود ادعای دولت در ایجاد ۴/۱ میلیون فرصت جدید شغلی در سال‌های ۸۹ و ۹۰، در این مدت از جمعیت فعال و شاغل کشور ۵۰۰ هزار نفر نیز کاسته شد".

روزنامه جمهوری اسلامی از قول علیرضا محبوب دبیر تشکیلات فرمایشی کارگر نوشت: "وضعیت واحدهای تولیدی کشور بحرانی است و طبق آمارهای رسمی طی سال گذشته ۱۰۰ هزار کارگر در بیش از یک هزار واحد تولیدی اخراج شده‌اند." او اضافه می‌کند: "زنان در بسیاری واحدهای بزرگ و قالی بافی‌ها گاهی دو سوم دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند، اما از ترس از دست دادن شغل از شکایت صرف نظر می‌کنند".

خبرگزاری ایلنا از تعطیلی ۳۲۵ واحد تولید کود شیمیائی و ورشکستگی ۹۰ درصد واحدهای نساجی کاشان و تعطیلی ۴۰ واحد تولید قارچ و بیکاری کارگران خبر می‌دهد.

فتح‌الله بیات رئیس اتحادیه‌ی کارگران قراردادی به خبرگزاری ایلنا می‌گوید: "۸۵ درصد جامعه‌ی کارگری کشور با قراردادی سه ماهه در واحدهای تولیدی فعالیت می‌کنند".
روزنامه‌ی جام جم در گزارشی از سوء تغذیه صدها هزار کودک زیر ۶ سال خبر می‌دهد و بر اساس آمار اعلام شده از سوی سازمان بهزیستی و کمیته‌ی امداد می‌نویسد دست کم ۸۰۰ هزار کودک ایرانی از سوء تغذیه رنج می‌برند.

خبرگزاری ایسنا در گزارشی تحت عنوان ۲۷ درصد کودکان کشور خارج از چرخه‌ی تحصیل، می‌نویسد بر اساس آمارهای آخرین سرشماری رسمی کشور بیش از ۳/۵ میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل قرار دارند.
در چنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی که بخصوص بعد از تحریم‌های جنایتکارانه‌ی اقتصادی و تحریم بانک مرکزی به وسیله‌ی قدرت‌های امپریالیستی، اقتصاد کشور به بن بست رسیده است؛ دولت طرح فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را با تقاضای ۱۲۵ هزار میلیارد تومان به مجلس ارائه می‌دهد که نهایتاً مجلس با تصویب رقم ۶۶ هزار میلیارد تومان با آن موافقت می‌کند.

در حالی که دولت در ۱۵ ماه نخست اجرای طرح هدفمندی ۲۵ هزار میلیارد تومان از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی درآمد داشته با تصویب این طرح به وسیله‌ی مجلس، دولت باید در ده ماهه‌ی باقی مانده از سال ۹۱، این مبلغ را با افزایش بهای بنزین، گاز طبیعی، آب، برق و گازوئیل و نفت کوره و نفت سفید کسب کند؛ و این به مفهوم افزایش قیمتی ۷۰ درصدی است.

در این مرحله قرار است با حذف یارانه‌ی نقدی ده میلیون نفر، ۴۸۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد ۶۶۰۰۰ میلیارد تومانی به خانواده‌ها پرداخت شود.

مرادی مدیر عامل سازمان هدفمندی یارانه‌ها این طرح را بهترین شکل تقویت تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی دانست و احمدی نژاد در این مورد گفت: " ثروت طبقه‌ی برخوردار کشور ۳۰ برابر مردم فقیر است. با درآمد حاصل از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها این فاصله‌ی طبقاتی کاهش یافته است".

دکتر مهدی تقوی استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی در گفتگو با فرارو می‌گوید: " طرح هدفمندی یارانه‌ها مردم را فقیر تر می‌کند. در مصوبه‌ی مجلس صحبت از این نشده است که چند درصد مزد کارگران اضافه می‌شود یا چند درصد به حقوق کارمندان دولت اضافه می‌شود. یعنی با این مزدی که مردم می‌گیرند، افزایش قیمت‌ها فشار زندگی را بر دوش آنها بیشتر می‌کند و مردم فقیرتر می‌شوند. دولت اکنون بنزین و گاز را به قیمت جهانی و بالاتر از آن به مردم می‌فروشد؛ در حالی که درآمد سرانه‌ی مردم ایران با درآمد سرانه‌ی کشورهای اروپایی و آمریکا اصلاً قابل مقایسه نیست. افزایش حقوق نیز با تورمی که اجرای فاز اول هدفمندی ایجاد کرد پائین بوده و به نوعی فلابی است. بنابراین مردم فقیر و فقیر تر می‌شوند و این کار برای هیچ دولتی هنر نیست که سیاست‌هایی را به کار گیرد که مردمش روز به روز فقیر تر شوند. اجرای فاز دوم هدفمندی، فشار بر مردم را بیشتر می‌کند".

خبرگزاری ایسنا در گزارشی از وضعیت مسکن و شکاف طبقاتی در ۲۸ اردیبهشت ماه می‌نویسد: " گرانی و تورم های امروز به علاوه بالا رفتن نرخ مسکن امری است که بر قشر متوسط و ضعیف اثر می‌گذارد و آن بالا نشین‌ها هیچ فشاری از این اوضاع نا به سامان اقتصادی حس نمی‌کنند و همچنان به دنبال زندگی لوکس تر هستند. اما دهک‌های پائین جامعه هر روز کمر خود را زیر بار فشار خم می‌کنند و از ترس و دلهره‌ی گرانی نجومی نان و برنج و قطع ناگهانی یارانه‌ها شب را به صبح می‌رسانند .

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فناء مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردد، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

گرانی افسار گسیخته



به برکت رژیم تبهکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مصائب مردم میهن ما از اندازه بیرون است، آنها امنیت ندارند، وضع آموزش و بهداشت اسفناک است، مسکن ندارند و اجاره خانه سرسام آور است، از بی حقوقی و خودسری‌های مافیای رژیم رنج می‌برند و سال‌هاست که از گرانی به ستوه آمده‌اند و اکنون طبق آخرین گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، "قیمت مواد خوراکی در یک سال منتهی به ۲۹ اردیبهشت ماه امسال از ۷،۳ تا ۲۴۵،۵ درصد در ایران افزایش یافته است. لبنیات به‌طور نمونه، در عرض یک سال ۴۸،۳ درصد و سبزیجات ۱۰۰ درصد گران شده است. همچنین در یک سال گذشته قیمت میوه ۵۵،۵ و گوشت قرمز ۴۹،۶ درصد افزایش یافته است. برنج، حبوبات، گوشت قرمز، گوشت مرغ، چای، سبزی‌های تازه، روغن و میوه از دیگر اقلامی هستند که بهای آنها، افزایش نشان می‌دهد. آمارهای اقتصادی بانک مرکزی در ماه‌های ابتدائی سال ۹۱ پس از حدود یک سال سکوت این نهاد اقتصادی، در انتشار آمار اعلام شده‌اند.

در هفته‌های اخیر بانک مرکزی در گزارشی رسمی هشدار داده بود به دنبال افزایش تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها بی‌تأثیر شده، سطح رفاه مردم کاهش و شکاف طبقاتی افزایش یافته است. طبق برآورد رسمی بانک مرکزی، در دو سال گذشته افزایش حقوق کارمندان و کارگران ایرانی کمتر از نرخ تورم بوده است و این مسئله موجب کاهش سطح رفاهی آنها شده است. **"(دویچه وله فارسی / اقتصاد)**

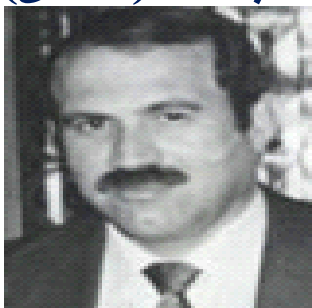
همان‌طور که ذکر شده است قیمت کالاها به ویژه کالاهای مورد نیاز عمومی مانند گوشت، حبوبات، میوه و سبزیجات، قند و شکر، و لبنیات ... به‌طور سرسام‌آوری بالا می‌رود درحالی‌که دستمزد کارگران و زحمتکشان، حقوق آموزگاران و کارمندان جزء دولت در سطح نازلی باقی مانده است. مردم ما به زحمت گذران زندگی خود و خانواده‌ی خود را سرهم می‌کنند و اکنون در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که حتی تهیه نان خالی و سکونت در یک اطاق کوچک نیز از توانائی آنان بیرون است.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی یک رژیم مافیائی است و تا دلتان بخواهد دروغ می‌گوید و هیچ پاسخی برای نیازمندی‌های ابتدائی مردم ندارد جز به کار گرفتن زور و سرکوب و حفظ امنیت برای آقازاده‌ها و سرمایه‌داران گردن کلفت. افزایش قیمت‌ها در درجه‌ی نخست ناشی از آزمندی بی حساب و کتاب مشتی سرمایه‌دار انگل و سودجو به تحصیل سود هر چه بیشتر است و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به رهبری احمدی نژاد و خامنه‌ای نه می‌خواهد و نه می‌تواند جلوی سود جوئی طبقاتی را که خود در زمره‌ی آنها و نماینده و مدافع منافع آنها است بگیرد. برای مبارزه با گرانی باید تولید داخلی را افزایش داد و از واردات بی بند و بار جلوگیری گرفت. رژیم درهای مملکت را به سوی واردات خارجی کاملاً گشوده است و بورژوازی دلال ایران که انحصار بازار را در پد قدرت خود دارد با تیبانی با مقامات مسئول و آیت‌الله‌های رنگارنگ اجناس را احتکار می‌کند تا آنها را بازهم گران‌تر بفروشد. برای رژیمی که فساد سرپای آن را فراگرفته است و تمام مسئولین امر از ولی فقیه گرفته تا احمدی نژاد و سرداران آدمکش سپاه پاسداران تا آیت‌الله‌ها و حاجی جبارهای مرده خور کوچه بازاری و مزدوران بسیجی و جیره خوار در اندیشه‌ی چاپیدن مردمند، قیمت کالاها و توزیع محصولات نمی‌تواند به سود مردم باشد. اوضاع گرانی و فشار بر مردم آنقدر زیاد است که حتی روحانیت مفتخور را توان کتمان آن نیست و لب به انتقاد گشودند. غلامعلی نعیم آبادی، امام جمعه‌ی بندرعباس در ۵ خرداد ۱۳۹۱ گفته است: «سرعت گرانی از سرعت فائتوم بیشتر شده است.»

ابراهیم امینی امام جمعه قم نیز در مراسم نماز جمعه ۵ خرداد ۱۳۹۱، گرانی موجود را "افسارگسیخته" خوانده و گفته است: «حتماً برخی اشتباهات اقتصادی وجود دارد که این گرانی‌ها به وجود آمده‌اند.»

واقعیت این است که کلیت نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مسبب گرانی افسارگسیخته است و این رژیم ضد مردمی هر چه بیشتر بر مسند قدرت باقی بماند بالای بیشتری به ارمغان می‌آورد. همه‌ی راه‌های رهائی مردم شریف ایران از سرنوشتی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی به دست مردم میهن ما می‌گذرد و برای تحقق این امر راهی جز تشکیلات و اتکا به نیروی خویش وجود ندارد. چاره‌ی رنجبران وحدت و تشکیلات است.

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)



نتوان کشت بدین گونه به دل‌ها امید خلق رزمنده‌ی ما جنگی و روئینه تن است
باز چون رعد خروشد جوانان وطن خاک ایران پر مردان یل و شیر زن است

بیست و پنج سال پیش، ۱۹ ماه مه ۱۹۸۷، رفیق عزیزما حمید رضا چیتگر (بهمنی) عضو دفتر سیاسی و کمیته‌ی مرکزی حزب کار ایران (توفان) با یک نقشه‌ی کثیف از پیش طرح شده‌ی توسط رژیم تروریست سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در وین (اتریش) به قتل رسید.

رفیق ارزنده‌ی ما حمید که نمونه‌ی از خودگذشتگی و جسارت انقلابی در راه آرمان مقدس حزبمان، مارکسیسم لنینیسم بود، در روز سه شنبه ۱۹ ماه مه ۱۹۸۷ برای ملاقاتی در وین به اتریش سفر کرد و در پی این سفر بود که کلیه‌ی نشانه‌ها و رد پای او محو گردید. دوماه تلاش و کوشش حزب و رفقا و نیروهای مترقی و انقلابی دیگر که به سرنوشت رفیق ما علاقمند بودند و برای یافتن وی از هیچ کمکی فروگذاری نمی‌کردند بی‌نتیجه ماند تا این که در روز جمعه ۱۷ ژوئیه پلیس اتریش اطلاع داد جسد ناشناسی در یکی از خانه‌های محله‌ی شماره ۳ وین پیدا شده است که می‌تواند متعلق به حمید رضا چیتگر باشد. متأسفانه پس از شناسایی جسد از سوی رفقا و خانواده‌ی وی این حقیقت تلخ تأیید شد. همه‌ی شواهد و قرائن و داده‌های گردآوری شده، از یک ترور از پیش آماده شده حکایت داشت که دست آدمکشان تروریست رژیم و سفارت جمهوری اسلامی در اتریش به خوبی از آن پیدا بود. در همین رابطه مصاحبه‌ای با یکی از رفقای دفتر خارجی حزب صورت گرفت که جزئیات این ترور را به طور مشروح بیان داشت. (مصاحبه با رفیق جعفر پاکنیا در مورد ترور رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) - "توفان در افشای تروریست دولتی جمهوری اسلامی" از انتشارات حزب کار ایران - توفان)

به قتل رساندن رفیق حمید چیتگر که یکی از اولین قربانیان ترور رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور بود نشان داد که دولت‌های امپریالیستی غرب به خاطر منافع بیشمار اقتصادی و به خاطر ماهیت عمیقاً ضد کمونیستی حاکمان اسلامی، در مقابل این ترور سکوت کرده و علیرغم نامه‌های مکرر از طرف دفتر خارجی حزب ما و دیگر احزاب چپ و مترقی به دولت اتریش کوچک‌ترین گامی جهت پیگیری این قتل بر نداشته و یکبار دیگر نشان داده‌اند که عریضه‌کشی‌های دفاع از حقوق بشر این کلاشان فقط اسلحه‌ای در دست آنها برای فریب افکار عمومی است.

جمهوری جنایتکار اسلامی می‌پنداشت با ترور فیزیکی کمونیست رزمنده و از جان گذشته‌ای چون حمید رضا چیتگر (بهمنی) و یا با تیرباران سایر توفانی‌های قهرمانی نظیر بابا پورسعادت، قدرت فاضلی، محمد حسن حسنی، منصور مختاری، مسعود نعمت‌اللهی، احمد مجلسی، جان برار روحی، نادر رازی، بهرام رازی، اصغر پهلوان، یدالله پهلوان می‌تواند به فعالیت توفانی‌های متشکل در حزب کار ایران پایان دهد. زهی خیال باطل! تشکیلات حزب کار ایران (توفان) یکشنبه سر از خاک بیرون نیاورده و در امر حمایت از کارگران و زحمتکشان سابقه‌ی طولانی دارد و با خون آبدیده شده است. لذا، ارتجاع را توان نابودی آن نیست و نخواهد بود. حزب ما با الهام از رفقای جانباخته، از پیکار مستمر علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم و تلاش برای برپایی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا باز نمی‌ایستد بلکه مصمم‌تر به راهشان ادامه می‌دهد. آن که رفتنی است نیروی میرنده و روبه زوال جمهوری اسلامی است و کمونیست‌هائی نظیر چیتگرها همواره جاودانه خواهند ماند و افکار و اندیشه‌شان الهامبخش همه‌ی مارکسیست لنینیست‌ها و رهبان طبقه‌ی کارگر خواهد بود.

حزب ما به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جانباختن رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)، متن آخرین سخنرانی رفیق، پیرامون دیکتاتوری پرولتاریا و استالین به صورت مکتوب و در شکل صوتی (۸ ماه مه ۱۹۸۷)، فیلم "جنایت مقدس" در افشای تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور و جزوه‌ی "توفان در افشای تروریسم دولتی جمهوری اسلامی" در مورد چگونگی ترور رفیق حمید رضا چیتگر را همراه با بخشی از یادنامه‌ی رفیق که در مراسم خاکسپاری او در پاریس توسط نماینده‌ی حزب قرائت گردید را یک بار دیگر انتشار می‌دهیم و یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.

گوشه‌ای از زندگینامه‌ی حزبی رفیق حمید رضا جیتگر (بهمنی)

« حمید در سال ۱۳۵۵ به صفوف سازمان مارکسیستی لنینستی توفان پیوست. او در کنگره‌ی مؤسس حزب طبقه‌ی کارگران و دهقانان ایران که بعدها حزب کار ایران نامیده شد، شرکت جست و تحت رهبری حزب به سازماندهی مبارزات مردم بر ضد رژیم خون آشام شاه به فعالیت پرداخت. در جنبش انقلابی گسترده‌ای که به سرنگونی سلسله‌ی پهلوی انجامید، او همیشه در صف مقدم مردم قرار داشت، هم در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات و هم در رویارویی مستقیم با نیروهای مسلح اختناق و ضد انقلاب همواره حضور حمید به چشم می‌خورد. رفقای هیچگاه شهادت نمونه وار او را در جریان حوادث جمعی سیاه فراموش نمی‌کنند. حمید در رهبری گروه بزرگی از تظاهر کنندگان، نیروهای جهنمی شاه را به ستوه در آورد و همزمان، نجات زخمی شدگان را از میدان کارزار سازمان می‌داد. رفقای فعالیت‌های او را در جریان انقلاب بهمن که اولین شهادی حزب ما، رفقا عرفانیان و اقتدارمنش به شهادت رسیدند، هرگز از خاطر نخواهند برد و حمید همه جا درس‌هایی از شجاعت و قهرمانی به یادگار می‌گذاشت. خصائل انقلابی حمید مانع می‌شد که او، در زمانی که نیروهای شیطانی ارتجاع برای در هم شکستن مطالبات بر حق مردم به مقابله برخاسته بودند، آرام بنشیند.

کمونیست‌ها از نوع قهرمانان معمولی نیستند و حمید به مثابه‌ی یک کمونیست آگاه و انسانی از سرشت ویژه فراموش نمی‌کرد که انقلاب کار وسیع‌ترین توده‌های آگاه مردم است. او فراموش نمی‌کرد که برای پیروزی انقلاب باید رهبری طبقه‌ی کارگر را تضمین کرد، به همین دلیل پیگیرانه برای تبلیغ و ترویج مارکسیسم - لنینیسم و سازماندهی طبقه‌ی کارگر ایران، تحت رهبری حزب فعالیت می‌کرد. کارگران کارخانه‌ی "جنرال صنعتی"، او را که یکی از فعالین تشکل شورای کارگری این کارخانه بود مسلماً از یاد نخواهند برد. به یاد آوریم که این کارخانه از نخستین کارخانه‌های تهران بود که در آن اولین شوراهای کارگران به وجود آمده بود. حمید که همواره در رأس مبارزات قرار داشت، در خاطر آن گروه از آگاه‌ترین کارگران سراسر ایران، که در تهران گرد آمده بودند تا با او شورای مؤسس اتحادیه‌ی سراسری کارگران ایران را تشکیل دهند، همیشه زنده خواهد بود.

بعد از انقلاب حمید در زمره‌ی نخستین کسانی بود که به طبیعت خونین و قرون وسطایی رژیم ملایان پی برد. او هم چنین از نخستین کسانی بود که در مبارزه علیه‌ی این جنایتکاران به پا خاست. او بود که هفته‌نامه‌ی "جمعه" را بنیان نهاد. هفته‌نامه‌ای که در زمان خود نقش مهمی در آگاهی دادن به توده‌های مردم ایفا نمود. در همین راستا بود که حمید در کنار رفقا بابا و قدرت علیه‌ی گرایش راست در حزب به پاخواست و موفق شد نقش بسیار مؤثری در پاکسازی صفوف حزب از عناصر متزلزل و نالایق که می‌کوشیدند لطف و ترحم رژیم ملایان را جلب کنند، ایفا نماید. در همین دوران بود که توسط مزدوران خمینی دستگیر و در سپاهچال‌های اوین به بند کشیده شد و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه در اوین موفق شد زندانبانان خود را بفریبد و برای ادامه‌ی مبارزه از چنگال مزدوران خمینی بگریزد. بعد از مدتی بر طبق پیشنهاد بابا و قدرت، کمیته‌ی مرکزی حزب تصمیم گرفت که او را به مأموریت خارج از کشور بفرستد تا ضمن نمایندگی دفتر خارجی حزب و سازماندهی رفقای خارج از کشور و منسجم نمودن فعالیت واحدهای مختلف را نیز به عهده بگیرد.

در جنبش بین‌المللی کمونیستی نیز حمید در فاصله‌ای کوتاه با شرکت فعال در نشست‌های مختلف کمونیست‌های مارکسیست - لنینیست، در چهار گوشه‌ی جهان به یکی از شخصیت‌های شناخته شده و محبوب جنبش کمونیستی بین‌المللی تبدیل گردید.

گرچه از دست دادن رفقای کمیته‌ی مرکزی حزب، رفقا بابا، قدرت، بابک، منصور و حمید برای حزبمان دلخراش و فاجعه آمیز است ولی اندیشه‌ی آنان، اراده و روحیه‌ی آنان در قلب تک تک رفقای ما جاریست. مرگ افتخار آفرین چنین رفقائی نه تنها ذره‌ای خلل در اراده‌ی پیکارجویانه‌ی حزب ما وارد نمی‌کند، بلکه الهام بخش و محرک مبارزه‌ی بی‌امان و وقفه ناپذیر ما نیز می‌باشد. کمونیست‌های ارزنده در مکتب این رفقا تربیت شده‌اند. کمونیست‌هایی که نمونه‌ی معلمین خود بوده و روحیه و درایت آنها را در خود دارند. امروز با داشتن چنین رفقائیتی که حزب، علیرغم همه‌ی ضرباتی که متحمل شد، علیرغم از دست دادن سردارانی چنین بزرگ، در صحنه‌ی پیکار ایران در مقابل یورش‌های وحشیانه‌ی رژیم خمینی مردانه تاب آورده و دمی از مبارزه نایستاده است. حضرات ملایان، ای حامیان سیاهی و تباہی، ای پیام‌آوران قتل و غارت و این پاسداران سرنیزه و چوبه دار، کافیسست سرنوشت هیتلر و سالازار، دووالیه و مارکوس، محمدرضا شاه و بسیاری دیگر از جانپان از نوع خود را ببینید تا به سرنوشت محتوم خود پی برده و از وحشت مرگ بر خود بلرزید. از دیدگاه تاریخ شما محکوم به فنا شدن ابدی از صحنه‌ی گیتی هستید. طبقه‌ی کارگر ایران بدون تردید در انجام این رسالت تاریخی موفق بوده و شما را به جایگاه واقعی تان در گورستان تاریخ خواهد سپرد. ما کمونیست‌ها نیز که به حق از مکتب حمید، بابا، قدرت، بابک و منصور درس می‌گیریم، در همه‌ی صحنه‌ها پا به پای هم‌زمان طبقاتی خود مبارزه کرده و برای برکندن ریشه‌های فاسد شما از خاک ایران، دمی باز نخواهیم ماند، تا هر چه زودتر صفحه‌ی تازه‌ای در تاریخ میهن ما گشوده شود که در آن خلق تحت رهبری طبقه‌ی کارگر صلح و شکوفائی، خوشبختی و بهزیستی عمومی را در ایرانی رها شده از چنگال غارتگران، شکنجه‌گران و در یک کلام از چنگال دژخیمان اسلامی، شاهنشاهی و امثالهم به دست آورند. آری انتقام ما از دشمنان خلق همانا دیکتاتوری پرولتاریاست. خاطره‌ی جاودانی رفیق گرامی ما حمید همیشه زنده خواهد بود و الهام بخش مبارزات ما در راه سرنگونی رژیم ملایان و نوید دهنده‌ی فردای روشن آزادی و برقراری پیروزی سوسیالیسم در ایران خواهد گردید.

افتخار جاودانی بر حمید، افتخار جاودانی بر بابا، قدرت، بابک، منصور و همه شهدای حزب و همه شهدای کمونیست. افتخار بر همه شهدای خلق ما و آنان که در راه محو ستم و استثمار، در راه بر چیدن بساط ظلم و ستم حکومت‌های جنایتکار مبارزه کرده و در پیشبرد آرمان‌های خود از فدا کردن جان نیز دریغ نمی‌ورزند....»

یاد رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی) (گرامی و راهش پر رهرو باد!

ننگ و نفرت بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

۱۸ ماه مه ۲۰۱۲ میلادی

مصاحبه در مورد چگونگی ترور رفیق حمید رضا (چیتگر)

توفان در افشای تروریسم دولتی جمهوری اسلامی

<http://www.toufan.org/ketabkane.htm>

سخنرانی پیرامون

استالین و دیکتاتوری پرولتاریا

<http://www.toufan.org/ketabkane.htm>

سخنرانی پیرامون

استالین و دیکتاتوری پرولتاریا

<http://www.toufan.org/souti%20file.htm>

فیلم جنایت مقدس در افشای تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور

<http://www.youtube.com/watch?v=9R5oLZ8TnWs>

یادداشتی کوتاه از یک رفیق هم‌رزم در وصف رفیق حمید رضا چیتگر (بهمنی)

رفیق حمید رضا چیتگر، یک کمونیست مارکسیست لنینیست جسور و بی باک و از خود گذشته، نظریه پرداز و یک سازمانده حرفه‌ای بود. وی یک عاشق به معنای واقعی کلمه بود. عاشق توده‌های رنج و کار، عاشق مارکسیسم لنینیسم و مؤمن به راهش بود. هیچ گاه از سختی کار، از ضربات پی در پی بر پیکر حزیش و عزیزترین رفقاییش نمی‌نالید بلکه با عزمی راسخ تر و اراده‌ای پولادین تر علیه ارتجاع و امپریالیسم و تمامی مظاهر سرمایه‌داری می‌رزمید و روحیه‌ای امید به پیروزی را در دل‌ها می‌نشاند و گرمابخش رفقا و یارانش بود. حمید انسانی فروتن بود، به رغم دانش بالای تنوریک، کلامی شیوا، شخصیتی جذاب و دوست داشتنی.... اما وقتی از رفیق قدرت فاضلی و بابا پور سعادت سخن می‌گفت گویی وی شاگرد رفیق قدرت و رفیق بابا بود. کمتر از خود سخن می‌گفت، بیشتر از توانایی‌های سیاسی تنوریک رفقا بابا و قدرت و دیگر رهبران حزب حرف می‌زد و آتوریت‌های رهبری را برجسته می‌نمود. بارها می‌گفت نباید از رفقای که در قید حیات هستند تعریف و تمجید کرد، باید از تشکیلات و حزب دفاع نمود و رفقا را از احترام بی حد نسبت به خود و رهبران حزبی برحذر می‌داشت. رفیق حمید از هر بند انگشتش هنر می‌بارید، هنر سازماندهی، هنر ارتباط با توده‌ها، هنر خویشتن داری و صبر و استقامت، هنر تداوم مبارزه، هنر روحیه بخشی و تقویت تشکیلات و ادامه‌ی راه جانب‌اختگان حزبی و شوق به پیروزی و گرفتن انتقام طبقاتی از بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا.

یادش همیشه گرامی باد!

توطئه‌ی امپریالیسم علیه‌ی سوریه ادامه دارد

"ارتش آزاد سوریه" ارتش مزدور امپریالیسم است و بر ضد مردم سوریه عمل می‌کند.



تصویری از مزدوران بنیاد گرای "ارتش آزاد سوریه"

گزارشات حاکیست مقر "ارتش آزاد سوریه" در ترکیه واقع است و در ماه نوامبر سال گذشته در حدود ۶۰۰ نفر "جندالله" وابسته به القاعده‌ی لیبی به رهبری عبدالحکیم بالحاج به آن پیوستند. بر اساس ادعای خوزه ماریو ازنار، نخست وزیر سابق اسپانیا بالحاج به سازماندهی... عملیات تروریستی ۱۱ مارس سال ۲۰۰۴ مادرید متهم است. المهدی هتاری لیبیائی که تا قبل از پیوستن به "القاعده"، در ایرلند اقامت داشت، در میان برخی گروه‌های شبه نظامی در سوریه در نزدیکی مرز ترکیه دیده شده است. وی، فرماندهی تیم طرابلس بود و در شورای طرابلس فرد شماره دو بعد از بالحاج به حساب می‌آمد. هتاری، پس از استعفا در لیبی، اعلام کرد که می‌خواهد به سر زندگی خود در ایرلند باز گردد ولی از ترکیه سر در آورد و از آنجا نیز در رأس یک گروه شبه نظامی به اراضی سوریه وارد شد. تری میسان می‌نویسد که هتاری وابسته به گروه مبارزان مسلمان لیبی می‌باشد که رسماً در لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار دارد، و در ماه ژوئن سال ۲۰۱۰ در میان فعالان مدافع فلسطین در کشتی "ماوی مرمره" حضور داشت (مأموران امنیتی سازمان‌های جاسوسی آمریکا نیز در میان هئیت‌های این کشتی حضور داشتند). هنگام حمله‌ی نیروهای ویژه‌ی اسرائیل به کشتی، او مجروح گردید و ۹ روز در زندان اسرائیل بسر برد و سپس آزاد شد.

در سایت‌های اینترنتی جهادگرایان اطلاعات زیادی درباره‌ی سازماندهی شبه نظامیان و تسلیح آنها در سوریه برای جنگ با دولت این کشور درج شده است. این امر از کشورهای عربی همسایه و ترکیه جریان می‌یابد. در سایت "انصارالمجاهدین" منبع اطلاع رسانی بین‌المللی شبه نظامیان اسلامی، متن دعوت به جهاد علیه‌ی سوریه درج شده (در آنجا، از جمله، ویدئوی فیلم وهابیون روسیه نیز درج شده است) و یکی از آنها بنام نصرالدین الحسینی می‌نویسد، که امیر ابو اسامه المجاهر در عملیات مرز عراق و سوریه کشته شد. ۱۲ فوریه، همام سعید، رهبر "اخوان المسلمین" در اردن نیز به جهاد علیه‌ی دولت سوریه فرمان داد و پیوستن به "ارتش آزاد سوریه" را جزء "وظایف اسلامی" خواند....

ولی علیرغم همه‌ی دسیسه‌های امپریالیست‌ها و اعزام مزدور عرب و کلمبیائی و ترک و لبنانی و عراقی و... به حمص و پاره‌ای شهرهای دیگر ضد انقلاب سوریه به شدت سرکوب شده و القاعده و عمال اجیر شده‌ی خارجی مجبور شده‌اند خاک سوریه را سراسیمه ترک بنمایند. برنامه‌ی امپریالیست‌ها برای "آزاد سازی" حمص و تشکیل مقری برای دولت به ظاهر قانونی و مورد تائید امپریالیست‌ها به نام "شورای عالی ملی سوریه" و یا نظایر آن که در لیبی اختراع کردند با شکست روبرو شده و حالا مجبورند درجه‌ی دخالت را افزایش دهند. از هم اکنون پرچم‌های دفاع از "حقوق بشر" را برافراشته‌اند و از جنایت جنگی سخن می‌رانند تا راه ورود ارتش‌های تجاوزگر ناتو و آمریکا و اسرائیل را به خاک سوریه هموار نمایند

* * * * *

دسیسه‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها در ممالک عربی و منطقه محکوم است

حقوق بشر و حقوق ملل



برای کمونیسم انسان در مرکز جهان قرار دارد. کمونیست‌ها سال‌هاست برای حقوق انسان‌ها مبارزه کرده و می‌کنند. اصل رهائی بشر از اسارت، یکی از اصول اعتقادی کمونیست‌هاست. آموزگاران کمونیسم نوشتند که باید به بهره‌کشی انسان از انسان خاتمه داد و جامعه‌ای را بنیاد نهاد و پابرجا نگهداشت که این اصل را شالوده‌ی زندگی اجتماعی خویش قرار دهد. ولی کمونیست‌ها انسان‌ها را مجرد و صرفاً فیزیکی نمی‌بینند. انسان‌ها موجودات اجتماعی‌اند و در این مناسبات پرورش یافته‌اند. آنها هم ستمگر و متجاوز در میان خود دارند و هم ستمکش و قربانی تجاوز. دره‌ی فقر و ثروت آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. آن جامعه‌ی انسانی که کمونیست‌ها در پی آن هستند جامعه‌ایست که چنین دره‌ای در میان آن نباشد و سرانجام رهائی انسان فرا رسیده باشد. به نظر کمونیست‌ها راه نیل به چنین جامعه‌ای مبارزه‌ی طبقاتی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست. به همین جهت کمونیست‌ها حقوق بشر را امری انتزاعی و مجرد نمی‌بینند. آنها این مقوله را در ارتباط با مبارزه‌ی طبقاتی قرار می‌دهند.

آنچه به عنوان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به تائید مراجع جهانی رسیده است طبیعتاً گامی به جلوس و پاسخی به بی‌حقوقی انسان‌ها در مقابل نظام‌های فئودالی، مذهب و سرمایه‌داری امپریالیستی است. این حقوق را بشریت در مبارزه‌ی دائمی خویش تا به این حد کسب و تثبیت کرده است. ولی این اعلامیه مفاهیم ایدئولوژی سرمایه‌داری را که مالکیت خصوصی را مقدس شمرده و اساس بهره‌کشی انسان از انسان را نفی نمی‌کند در خود جا داده است. در این منشور سخنی از حق انسان‌ها برای کار دائمی در میان نیست زیرا باید دست سرمایه‌داران در اخراج کارگران باز باشد، باید حضور میلیون‌ها بیکار را برای ایجاد دلهره و زهر چشم‌گیری از میلیون‌ها انسان‌های شاغل پذیرفت تا به بهانه‌ی رقابت، سطح دستمزدها نازل باشد و... به همین جهت نمایندگان شوروی سوسیالیستی لنینی - استالینی در مجمع عمومی سازمان ملل به این سند رای ممتنع دادند زیرا اساس آن یک سند صوری بورژوازی است که با جملات زیبا تزئین شده است بدون آن که راه مادی تحقق واقعی حقوق انسان‌ها در آن منظور شده باشد.

حزب کار ایران (توفان) حامی حقوق بشر است و راه نیل به آن را که استقرار جامعه‌ی کمونیستی است نشان می‌دهد. این صمیمیت کمونیست‌ها در بیان حقایق است. در غیر این صورت نشخوار واژه‌های تزئینی برای سخنرانی‌های غرا چاره درد نیست بلکه اگر از روی نادانی سیاسی نباشد با هدف فریب افکار عمومی صورت می‌گیرد. حزب ما اعلامیه‌ی کنونی حقوق بشر را ماهیتاً یک اعلامیه‌ی بورژوائی با تمام مزایا و مضرات آن تحلیل کرده ولی وجود آن را دست‌آورد مبارزه‌ی ملت‌ها می‌داند. این مبارزه‌ی خونین و مستمر صدها ساله‌ی مردم بوده است که منجر به این شده. این گام بزرگ در جوامعی که خونخواران کوچک‌ترین توجهی به انسان و انسانیت نمی‌کردند برداشته شود. به رسمیت شناختن این حقوق و دفاع از آن، دفاع از یکی از دست‌آوردهای تاریخی بشریت تا لحظه‌ی کنونی است. وظیفه‌ی کمونیست‌ها نفی این دست‌آورد نیست تکامل این دست‌آورد بر اساس و بر شالوده‌ی آنچه هست می‌باشد. عقب نشینی از این دست‌آوردها عدم درک مبارزه‌ی دموکراتیک و خدمت به ارتجاع سیاه است. کمونیست‌ها همواره باید مبارزه برای تحقق حقوق بشر را در رابطه با مبارزه‌ی طبقاتی مورد تحلیل قرار دهند و خواست‌های مشخص خود از جمله نفی تقدس مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و حق کار برای همه و نفی بهره‌کشی انسان از انسان را طرح کرده و توضیح دهند.

حقوق ملل نیز حقی است که پس از استقرار سوسیالیسم در شوروی لنینی - استالینی و شکستن کمر نظام استعماری کهن و پایان عصر امپراتوری فرتوت انگلستان و فرانسه و... بعد از جنگ جهانی اول به رسمیت شناخته شده است. ملت‌های جهان با مبارزه و تلاش خویش سرزمین خود را از زیر سلطه‌ی قدرت‌های استعمارگر رهائی داده و دولت‌های مستقل از نظر سیاسی به وجود آوردند. حقوق ملت‌ها و استقلال کشورها دست‌آورد سال‌ها مبارزه‌ی استقلال طلبانه آنها بود. تغییر توازن قوای جهانی، پیدایش جنبش‌های عظیم کارگری، سوسیالیستی و ضد استعماری و دموکراتیک شرایطی را ایجاد کرد که امپریالیست‌ها ناچار شدند اشکال نوین استعمار را آزمایش کنند. استعمار کهن جای خویش را به استعمار نوین بخشید. این شرایط جدید و فشار موج دموکراسی، امپریالیست‌ها را واداشت حقوق ملت‌ها را به رسمیت بشناسند و مانند سابق در جامعه‌ی ملل، انهم با بی‌شرمی و صراحت لهجه و طلبکاری و بدیهی بودن، ممالک را بر اثر تناسب قوای خودی میان خودشان با خط کش تقسیم نکنند. وقتی امپریالیست‌ها دیدند که مبارزه‌ی ملل برای استقلال و آزادی، زمینه‌ی رشد سوسیالیسم و تشدید مبارزه‌ی طبقاتی را ایجاد کرده است، وقتی دیدند که مبارزه‌ی ملی بخشی از

مبارزه‌ی عمومی ضد امپریالیستی شده است و تنها با این دورنما امکان حرکت به جلو، بقا و پیگیری را دارد به هراس افتاده و حقوق ملت‌ها را به رسمیت شناختند. بر این اساس همه‌ی ملل در قالب ممالک خویش دارای حقوق برابرند. این اصل دموکراتیک مافوق نوع ایدئولوژی، مذهب، کمیت و کیفیت، رنگ پوست و نژاد، بزرگی و یا کوچکی، درجه‌ی سطح فرهنگی، زبان و... قرار دارد و برای کوبا همانقدر معتبر است که برای آمریکا.

حزب کار ایران(توفان) از این دست‌آورد بشریت که در مبارزه‌ی ضد استعماری و ضد امپریالیستی به وجود آمده است حمایت می‌کند. ما حقوق ملل را که پاسخی به سرکوب و بی حقوقی آنها در طی قرن‌ها بوده است به رسمیت می‌شناسیم. این حقوق در دوران رشد سرمایه‌داری شکل گرفت و در قالب نهضت‌های ملی با تکیه بر مجموعه‌ی اشتراک ثابتی از سرزمین، زبان، عوامل تاریخی، و همبستگی اقتصادی، ساختمان فرهنگی و روحی بروز کرد و ما بارها گفته‌ایم که این مبارزه‌ی ملی در دوران امپریالیسم، در دورانی که سیاست استعماری در هم شکسته شده است، برای کسب استقلال سیاسی و تشکیل دول ملی بخشی از مبارزه‌ی عمومی انقلابی و ضد امپریالیستی خلق‌های جهان و طبقه‌ی کارگر جهان بوده و جهت گیری آن به سمت جلو یعنی با گرایش به جامعه‌ی بدون طبقه مایه‌تاً مترقی خواهد بود زیرا این مبارزه در بطن خود مبارزه‌ی ضد استعماری و نفی مناسبات گذشته را پنهان دارد و بازگشت به گذشته را به طور عینی ارتجاعی می‌داند. ما همواره بر آن بوده‌ایم که مبارزه‌ی ملی یک مبارزه‌ی طبقاتی است و از منظر مبارزه‌ی طبقاتی باید به آن نگرسته شود.

توفان - سخن هفته

نقل از فیسبوک حزب کار ایران(توفان)

دوشنبه ۸ خردادماه ۱۳۹۱

علیرضا نوری زاده خبرنگاری بی شرم و خودفروخته

"درود بر آمریکا که رژیم طالبان را سرنگون کرد"

"درود بر آمریکا که رژیم آدمکش صدام را برانداخت"

"من افتخار می‌کنم که خبر سرنگونی رژیم‌های افغانستان و عراق را جشن گرفتم و امروز هم همچنان بر این

نظرم که سیاست جرج بوش در رابطه با افغانستان و عراق صحیح بوده و مردمان این دو کشور را از شر

صدام و طالبان نجات داد. امروز در عراق بیش از ۱۷۰ روزنامه‌ی آزاد وجود دارد..."

نقل از مناظره‌ی علیرضا نوری زاده با دکتر محمد سهیمی در تلویزیون اندیشه، برنامه‌ی نسیم شمال مورخ ۹

اردیبهشت ۱۳۹۱"

به این حضرت آقا که برای جاه و مقام و پول خود را به امپریالیسم و صهیونیسم فروخته است باید گفت تنها کسانی از فجایع و ویرانی عراق توسط آمریکا و شرکای جنایتکارش این چنین بیشرمانه دفاع می‌کنند که بویی از انسانیت نبرده‌اند، اینان رفتارشان هزاربار پست‌تر از حیوان است. به برکت بمباران و اشغال عراق توسط آمریکا نه تنها دموکراسی در عراق برقرارنش بلکه این کشور کاملاً ویران و حد اقل ۷۰ سال به عقب پرتاب شد. امروز نه امنیتی وجود دارد و نه اقتصاد و نه استقلال، بلکه عراق به مستعمره‌ی آمریکا تبدیل شده و در خطر تجزیه و پاره پاره شدن قرار دارد. در خلال قریب به ۹ سال اشغال عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) کشته طبق گفته‌ی وزیر بهداشت عراق، یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) بیوه زن عراقی، چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) کودک یتیم عراقی، هشتصد هزار (۸۰۰۰۰۰) عراقی ناپدید شده در بازداشتگاه‌های مخفی مرتبط با احزاب گوناگون حاکم (بر اساس شکایت‌های ثبت شده در وزارت کشور عراق)، سیصد و چهل هزار (۳۴۰۰۰۰) زندانی عراقی که بدون اعلام جرم، در زندان‌های ارتش ایالات متحده، زندان‌های دولت عراق، و زندان‌های واقع در منطقه‌ی کردستان به سر می‌برند، چهار و نیم میلیون (۴۵۰۰۰۰۰) آواره‌ی عراقی در خارج از عراق، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰) عراقی آواره در داخل عراق (به گزارش وزارت آوارگان عراق)، هفتاد و شش هزار (۷۶۰۰۰) مورد ثبت نام شده‌ی ایزد در عراق؛ این رقم قبل از تجاوز به عراق و اشغال آن کمتر از ۱۴ مورد بود (بنا به گزارش وزارت بهداشت عراق)، بیش از دوهزار پزشک و قریب به شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاه‌های عراق ترور و یا به زندان افتاده‌اند. آمریکا از به کاربردن فسفر سفید علیه‌ی مردم بی دفاع دریغ نکرد و از قتل عام بیرحمانه‌ی مردم عراق در فلوجه به هدف نهائی‌اش برای نابودی جنبش مقاومت و ثبات دست نیافت. چشم اسفندیار زندان و شکنجه‌ی "دموکراتیک" در زندان مخوف ابو غریب عراق نیز بر کسی پنهان نیست و رسالت امپریالیست "دمکراتیک" آمریکا در جهان جز این نیست. اینهاست دست‌آوردهای شوم اشغال عراق در خلال ۹ سال اخیر. هیچ انسان آزاده‌ای از بمباران و ویرانی عراق دفاع نمی‌کند مگر این که نادان و یا خودفروخته باشد.

در افغانستان نیز بعد از ۱۰ سال اشغال و خونریزی جز کشتار ده‌ها هزار نفر مردم بیگناه و آواره شدن میلیون‌ها نفر، نصیب مردم مصیبت دیده‌ی افغانستان نشده است. اشغالگران امپریالیست آمریکا و فرانسه و انگلیس ... این قدرت‌های استعماری و جنایتکار از پرتاب فسفر سفید و اورانیوم رقیق شده دریغ نکرده و تصاویر کودکان افغانی و عراقی وجدان انسان را معذب می‌کند. علیرضا نوری زاده و کلیه‌ی کسانی که از امپریالیسم به دفاع برخاسته‌اند نه مدافع حقوق بشر در ایران هستند و نه حامی استقلال و تمامیت ارضی ایران. این خودفروختگان سیاسی از تجاوز نظامی به ایران و سیاست تحریم اقتصادی امپریالیست‌ها و گرسنگی دادن به مردم ایران دفاع می‌کنند. ما بارها گفته‌ایم حقوق بشر تجزیه ناپذیر است کسی که نقض حقوق بشر در ایران و در زندان کهریزگ و اوین را محکوم می‌کند باید نقض حقوق بشر در افغانستان و عراق و لیبی و فلسطین را نیز محکوم کند در غیراین صورت دروغگو و ریاکار است. وظیفه‌ی همه‌ی نیروها و انسان‌های بیدار، با وجدان سیاسی است ضمن مبارزه علیه‌ی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی در افشای نیروهای خود فروخته‌ی سیاسی و سخنگویان ریز و درشت آنها کمر همت بندند و توطئه‌های عفریت خارجی علیه‌ی مردم ایران را بی پاسخ نگذارند.

نقل از فیسبوک توفان

سخن هفته

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

نیکسون در لنین گراد

درموقع دفاع شهر قهرمان لنین گراد دخترک دوازده ساله ای بنام تانیا در دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی خود نوشت: گنه در دسامبر هلاک شد، مادر بزرگ در ژانویه، سپس عمو لیوشا سپس مامان، و سپس ساوچف. "همه رفتند و فقط تانیا باقی است." ولی تانیا نیزیزودی به هلاکت رسید و در آرامگاه مدافعان دلیر لنین گراد، گورستان پیسکاروف، بخاک سپرده شد.

این داستان کوچک، گوشه‌ای از حماسه‌ی بزرگی است که خلق شوروی به رهبری استالین کبیر در جنگ ضد فاشیستی در صحنه‌ی تاریخ ایجاد کرد. جنگی که به خاطر رهائی بشریت و پاسداری از جهان نوین سوسیالیستی صورت گرفت. میلیون‌ها نفر از خلق شوروی، امثال تانیا، قهرمانانه مردند، تا سوسیالیسم زنده بماند.

آنها چگونه می‌توانستند تصور کنند که پس از فاشیسم هیتلری بلیه‌ای عظیم‌تر و عمیق‌تر بر کشور شوراها هجوم خواهد آورد و سوسیالیسمی را که آنها به بهای خون خود زنده و سربلند نگهداشتند در گور خواهد کرد؟

چگونه می‌توانستند خیانت رویونیسم خروشچی را پیش بینی کنند؟ چگونه می‌توانستند تصور کنند که روزی جانشین هیتلر، درخیم خلق‌ها، سرکرده‌ی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا به دعوت اسارتگران خلق شوروی بر خاک آنها قدم خواهد گذاشت و یاد آنها را وسیله‌ی عوام فریبی خواهد ساخت؟

اما همه‌ی این "عجایب" به وقوع پیوست و نیکسون در سفر لنین گراد به گورستان پیسکارف گذر کرد و در نطق تلویزیونی خویش با اشاره به تانیا چنین گفت:

«در گورستان عکس دخترک دوازده ساله‌ای را دیدم به نام تانیا. دختر بسیار زیبایی بوده است

صفحات یادداشت‌های روزانه‌ی او حاوی تاریخ وحشتناک جنگ است... اینک که ما در راه دنیای صلح

جویانه تری می‌کوشیم به تانیا و همه‌ی تانیاهای دیگر فکر کنیم...»

این سخن از دهان کسی بیرون آمده است که میلیون‌ها نفر از تانیاهای جهان در اثر جنایتکاری سیاسی که او نماینده‌ی آنست از بی غذایی و بی داروئی می‌میرند! کسی که روستاهای ویتنام جنوبی را به کوره‌های آدمسوزی بدل کرده است! کسی که با گلوله‌های خود بر یادداشت‌های هزاران تانیای ویتنامی نقطه‌ی خاتمه گذاشته است! کسی که سربازانش کودکان را در آغوش مادران از دم تیغ می‌گذرانند! کسی که حکومتش بر انگیزنده و یا همدست کلیه‌ی فتنه‌ها و خونریزی‌ها و جنگ‌های تجاوزکارانه‌ی بعد از جنگ دوم جهانیست! روزنامه "نان دان" ارگان حزب زحمتکشان ویتنام در اشاره به نطق نیکسون نوشت: "این سخنان زیبا با صدای انفجار بمب‌های آمریکائی که روز و شب بر سرزمین ویتنام اندوه و عزا می‌بارند پوشیده شده"، "بدیهیست که برای آن که بچه‌های دنیا از کشتار در امان باشند و در صلح به سر برند بزرگ‌ترها باید به مقابله با امپریالیست‌های آمریکائی بر خیزند و در برابر تهدید آنها عقب ننشینند."

این سخنان نیکسون گوشه‌ای از عوام فریبی عظیمی است که در سفر وی به شوروی با شرکت امپریالیست‌ها و سوسیال امپریالیست‌ها بر روی صحنه آورده شد. از این سخن می‌توان ماهیت سایر سخنان نیکسون و حریفان رویونیست او را دریافت. سفر نیکسون به شوروی و مذاکرات و موافقت‌هایی که در زیرظاهر تأمین صلح، تقلیل

سلاح‌های اتمی، همکاری در فضا و دریا و غیره صورت گرفت در واقع گام جدیدی بود در راه تقسیم مجدد جهان، تضمین منافع امپریالیستی مشترک خویش به زیان خلق‌های گیتی، همکاری در خاموش کردن نهضت‌های ملی و دموکراتیک و توطئه علیه جنگ‌های توده‌ای در هند و چین و خاورمیانه. نیکسون در نطق تلویزیونی خویش در مسکو چنین گفت:

« اگر ما به دورنماهای صلح بنگریم، خواهیم دید که در این امر، یعنی کاهش سرچشمه‌های تصادمات مستقیم ممکن بین خودمان به پیشرفت‌های مهم نائل آمده‌ایم. اما تاریخ به ما می‌گوید که ملت‌های بزرگ بر اثر تصادماتی که با ملت‌های کوچک‌تر پیدا کرده‌اند، به جنگ کشیده شده‌اند. ما می‌توانیم و باید به مثابه‌ی قدرت‌های بزرگ از نفوذ خویش برای جلوگیری از چنین پیش‌آمدی استفاده کنیم. هدف ما باید عبارت باشد از این که به تجاوز در بخش‌های دیگر جهان و منجمله تصادماتی که بین این ملت‌های کوچک که از ما انتظار "رهبری" و سرمشق دارند روی می‌دهد، میدان ندهیم... هر چند کشورهای ما ثروتمند تر و نیرومند تر شوند ما را از جنگ و از تهدید جنگ، در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، بیشتر زیان خواهیم دید. »

بگذریم از لحن پر غرور این عبارات و از تحقیری که در آنها نسبت به خلق‌های جهان نهفته است. از نماینده‌ی امپریالیست‌ها جز این انتظار نمی‌رود. اما مضمون سخنان نیکسون بسیار مهم و در عین حال روشن است، او در خطاب به رویونیست‌های شوروی می‌گوید: ما دو قدرت بزرگیم. جنگ با یکدیگر به سود ما نیست و در جنگی که از طرف خلق‌های اسیر در گوشه‌ای از جهان بر پا شود به زیان ماست. هر دو ما باید از نفوذ خویش برای جلوگیری از آن استفاده کنیم. شما کشورهای تحت نفوذ خویش دارید. زمام عده‌ای از کشورها نیز در دست ماست. بیایید از این وضع برای تأمین منافع مشترک خود بهره برداریم. همچنان که ما در موقع اشغال چکوسلواکی چشم بر هم گذاشتیم و به شما فرصت دادیم که وضع آن کشور را "عادی" گردانید شما هم در مسئله‌ی ویتنام و فلسطین نقش دلال ما را داشته باشید. رویونیست‌های شوروی همیشه این نقش را به عهده داشته‌اند. ولی آنچه امپریالیسم آمریکا می‌طلبد از قدرت آنان بیرون است. خلق آزاده‌ی ویتنام تجارب گرانبهایی در مبارزه علیه امپریالیست‌های گوناگون ژاپنی، فرانسوی و آمریکائی دارد و به نحوی می‌داند که سرنوشت آزادی و استقلال او در میدان جنگ تعیین خواهد شد و تا روزی که پای یک سرباز آمریکائی بر گرده‌ی خاک ویتنام است با هیچ افیونی از افزار معجزه آفرین جنگ توده‌ای دست نخواهد کشید. امپریالیسم آمریکا در جنگ تجاوزکارانه‌ی دهساله‌ی خویش در ویتنام پیوسته گرفتار محاسبه‌ی نادرست بوده است. کندی می‌پنداشت که اگر سربازان آمریکائی را دوشادوش سربازان پوشالی ساپگون به جنگ وادارد خلق ویتنام را به تسلیم ناچار خواهد ساخت. جانشین برای آنچه شکست رئیس جمهور پیشین را جبران کند به بمباران ویتنام شمالی فرمان داد به این خیال که جنگجویان ویتنامی را به این وسیله به زانو در آورد. اینک نیکسون با سبکسری تمام از این حد پا فرا تر گذاشته و نه فقط بمباران ویتنام شمالی را از سر گرفته بلکه بنادر جمهوری دموکراتیک ویتنام را مین گذاری کرده و به محاصره‌ی آن کشور دست زده است و این نشانه‌ی عجز و سرگشتگی امپریالیسم آمریکاست. امروز در اثر تجربه‌ی دهساله بر جهان ثابت شده است که عملیات جنایتکارانه نمی‌تواند تأثیر تعیین کننده در سرنوشت جنگ داشته باشد. امپریالیسم آمریکا جنگ تجاوزکارانه در هندوچین را باخته است. سرنوشت فاشیسم آلمان می‌تواند برای امپریالیسم آمریکا آموزنده باشد اگر نیکسون رفتار نابینائی طبقاتی نبود در گورستان پیسکاروف بر گور تانیا می‌توانست دور نمای جنگ هندوچین را بهتر و روشن تر ببیند؛ میلیون‌ها از مردم شوروی و شاید خلق‌های اروپا در میدان‌های جنگ، در اردوگاه‌های اسیران، در کوره‌های آدم‌سوزی، در نبردهای پارتیزانی، در شکنجه گاه‌های گشتاپو جان سپردند و اراضی املاک فاشیست‌های آلمان از خاکستر انسان‌ها کود داده شد. هزاران گورستان نظیر پیسکارف که امروز زیارتگاه عموم است در همه‌ی کشورهای اروپا گسترده گشت ولی آنکه سرانجام به مزبله‌ی تاریخ افکنده شد، فاشیسم بود. جا داشت که سرکرده‌ی امپریالیسم آمریکا به این مزبله بیندیشد.

برگرفته از توفان ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان شماره ۵۸

مرداد ۱۳۵۱

**زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه داری،
فاشیسم، صهیونیسم و امپریالیسم!**

زندانی کردن دکتر فریبرز رئیس دانا را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان هستیم

اطلاعیه‌ی زیر درمورد زندانی کردن فریبرز رئیس دانا توسط کمیته‌ی دفاع از کارگر زندانی رضا شهابی انتشار یافته که خود آقای رئیس دانا یکی از اعضای این کمیته است. حزب کار ایران (توفان) زندانی کردن دکتر فریبرز رئیس دانا را به شدت محکوم می کند و خواهان آزادی فوری ایشان و همه‌ی زندانیان سیاسی دربند است.

در اطلاعیه‌ی دفاع از دکتر فریبرز رئیس دانا چنین آمده است:

«زندانی کردن فریبرز رئیس دانا یکی از اعضای کمیته‌ی دفاع از رضا شهابی محکوم است»

دکتر فریبرز رئیس دانا از اعضای "کمیته دفاع از رضا شهابی"، اقتصاددان و عضو "کانون مدافعان حقوق کارگر" صبح روز دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۱ پس از مراجعه به پلیس امنیت تهران برای گذراندن حکم یکساله‌ی حبس به زندان اوین فرستاده شد.

تنها جرم فریبرز رئیس دانا دفاع از حقوق کارگران و تشریح ابعاد فاجعه آمیز زندگی اقتصادی و معیشتی آنان است. ما اعضای "کمیته‌ی دفاع از رضا شهابی" به زندان افکندن این عضو خود را به شدت محکوم می کنیم و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان هستیم.

همچنین رضا شهابی کماکان با وضعیت نامناسب جسمی در بخش جراحی اعصاب بیمارستان امام خمینی بستری است و پزشکان منتظرند تا حال عمومی او به وضعیتی برسد که توانایی عمل جراحی را داشته باشد. هفته‌ی پیش هنگامی که پزشکان آماده می شدند تا رضا را عمل کنند او دچار یک سرماخوردگی عفونی شدید شد و پزشکان معالج پس از معاینه‌ی او دستور اکید دادند که تا بهبودی کامل و بازگشت به حالت عادی، عمل او انجام نخواهد شد.

لازم به ذکر است که پس از صدور حکم رضا شهابی، وکیل او در مهلت مقرر لایحه‌ی اعتراض به این حکم را تحویل شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب داده است اما تا کنون و پس از چند بار مراجعه‌ی وکیل و خانواده، هنوز شعبه‌ی مربوط به دادگاه تجدیدنظر مشخص نشده است و هیچ جواب مشخصی داده نمی شود.

کمیته‌ی دفاع از رضا شهابی - یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۱

محمد علی افراشته شاعر زحمتکشان



محمد علی افراشته (۱۲۸۷ - ۱۳۳۸)، شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس دهه‌ی ۱۳۲۰، با آن که آثار قلمی‌اش در مطبوعات طنزآمیز آن روزگار، که به آنها نشریات فکاهی می گفتند، به فراوانی انتشار می یافت، به ویژه اشعار گیلکی او. در قلمرو این گویش، شهرت و محبوبیت فراوان داشت و صاحب‌نظران او را در این عرصه بی‌همتا می دانند.

افراشته شاعر کمونیستی است که قریحه‌ی خود را نه در خدمت شاهان و استثمارگران بلکه در خدمت زحمتکشان رنج‌دیده نهاده است. مضمون اشعار وی سرشار از عشق و محبت و همدردی نسبت به خلق زحمتکش و مملو از کینه و نفرت

نسبت به دشمنان خلق است. قلم او هرگز از راه محرومان انحراف نجست. او در سراسر زندگی به مضمون این بیت خود:

بشکنی ای قلم، ای دست، اگرپیچی از خدمت محرومان سر

وفادار ماند.

وی در افشای دزدی "شرعی" دزدان حاکم و مجازات "دزدی" محرومان چنین نوشت:

دزد یک جوجه خروس خلق آویز..... دزد ده دهکده آقا و عزیز؟
دزد یک خریده اندرسر دار..... دزد صد قریه جناب سردار
زالوی خون هزاران دهقان حضرت اشرف و خان واعیان
داشتی گر هنر و عقل و کمال همه بودند به عرف تو شغال

رفیق افراشته بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به خارج مهاجرت کرد و در سن پنجاه و یکسالگی در صوفیه پایتخت بلغارستان بدرو حیات گفت. یادش گرامی باد!

* * * * *

کاری کردیم که:

سارکوزی شکست خورد

بیانیه‌ی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست کارگران فرانسه در مورد انتخابات ریاست جمهوری

خلق ما مرتکب خطا نشد. همان کاری را کرد که برای طرد یک راست خطرناک لازم بود، راستی که سیاست پس رفت اجتماعی، سیاست تجزیه و تعرض در قبال جنبش کارگری را دنبال می کرد و در این راستا به پای زد و بند با راست افراطی رفته بود. وجد مردم در دور اول انتخابات، عاملی که اولین شکست را به سارکوزی و شرکاء تحمیل کرده بود، در دور دوم تأیید و تقویت شد.

سارکوزی، که مدام موعظه می کرد و به سمت هواداران جبهه‌ی ملی پیش می رفت، تا آخرین دقایق هم، دست از ستیزه جوئی نکشید. هفته‌ای نبود که یکی از تزه‌های راست افراطی را به عاریت نگیرد، علیه‌ی سندیکاها، علیه‌ی مهاجران مهملی نباد، پرچم نفرت طبقاتی را علم کرده و مرتب درباره‌ی "کار حقیقی!" و یا "کارگران حقیقی!" جفنگ می گفت، مردم را تحریک می کرد.

همین راستگرایی عیان بود که هرچه بیشتر از روی مقاصد "نا" مرئی سارکوزی و شرکاء را پرده برداشت: یعنی همدستی آشکار با راست افراطی در دولت علیه‌ی طبقه‌ی کارگر، علیه‌ی خلق، علیه‌ی سازمان‌های اجتماعی و سندیکائی. شواهدی هست مبنی بر این که هواداران جبهه‌ی ملی (جبهه‌ی فاشیست‌های فرانسوی - توفان) پیام حضرات را خیلی خوب گرفتند. بیخود نبود که رفتند و دستجمعی به سارکوزی رأی دادند - علت آرای زیاد سارکوزی در دور دوم انتخابات. گو اینکه مارین لوپن خود را "بی طرف!" قالب کرده و پیشنهاد "رای سفید!" داده بود.

در مقابل، کسانی که فکر می کردند که گرایش سارکوزی و شرکاء یک تاکتیک انتخاباتی برای "جذب" آرای جبهه‌ی ملی بوده، در اشتباه بوده و هستند. پای استراتژی حضرات در میان بود، که هم پیروزی محتمل در انتخابات جاری را در مد نظر داشتند و هم به فکر اپوزیسیون فردا بودند.

پای یک استراتژی، وحدت سیاسی و ایدئولوژیک به منظور تراشیدن نوعی مرجع رسمی برای رأی افراطی، برای ایجاد یک فضا، فضای تنش ماندگار، در جامعه در میان بود، توأم با انواع تحقیر و اجحاف و تعرض و پراکندگی و... تا الیگارشی بتواند، با خیال راحت، سیاست ریاضت کشی خود را پیاده کند. از شما چه پنهان که ما با برداشتن سارکوزی از رأس دولت، جلوی اجرای این سناریوی مخرب را گرفتیم.

بدون وجد و تحرک مردم در همان دور اول انتخابات، پس زدن سارکوزی خیلی دشوارتر و یا اصلاً مقدور نمی شد. ناگفته نماند که این وجد و تحرک ناشی از مبارزه‌ی جبهه‌ی چپ و کاندیدای آن ژان - لوک - ملانشون بود. بعد از دور اول انتخابات، با اعلام بلافاصله این که باید جلوی سارکوزی را گرفت، ایضاً با بسیج تمام پتانسیل جبهه‌ی چپ به یاری همه‌ی سازمان‌ها و احزاب تشکیل دهنده‌ی آن، نقش اصلی، نقش تعیین کننده‌ی را در نتیجه‌ی دور دوم انتخابات بازی کرد.

تمایل به طرد سارکوزی، به مطالبات گسترده‌ی کارگران، زحمتکشان، جوانان و زنان در محله‌های مردمی باز می‌گردد، که تمام بار سنگین بحران و سیاست ریاضت‌کشی را به دوش می‌کشند. اینها همه در دل مبارزه‌ی انتخاباتی جبهه‌ی چپ حاضر بوده و نقش ارزنده‌ای بازی کردند. فرانسوا اولاند، دولتی که تشکیل خواهد داد، نمی‌تواند این حقایق را نادیده بگیرند. ما هم، ضمن هشدارهای مداوم، قبول مطالبات کارگران و زحمتکشان و... را به آنان تحمیل خواهیم کرد. این یکی از ودیعه‌های مطرح در انتخابات پارلمانی است. بکوشیم تا حداکثر نمایندگان حاضر در فهرست اسامی جبهه‌ی چپ انتخاب شوند تا ما بتوانیم با امکانات بیشتر برای تأمین مطالبات حیاتی توده‌ها مبارزه کنیم.

فراموش نکنیم که یک موقعیت سیاسی تازه به وجود آمده است. الیگارش‌ی طرح‌ها و خواسته‌های خود را دارد، بر آن است که ما را برای جبران ضایعات بحرانش بیشتر بدوشد، با توسل به سیاست ریاضت‌کشی در سطح ملی و هم در سطح اروپائی و بین‌المللی. هنوز مسئله‌ی از میان بردن شغل‌ها در دستور قرار دارد، که گویا به دلیل انتخابات دنبال نشد. باید به فکر رشد و برآمد مبارزه‌ی طبقاتی باشیم. پس جا دارد که قطب‌های مقاومت را، بیش از پیش، به مراتب بیشتر از هر زمان دیگری، تقویت کنیم، به جنبشی که با جبهه‌ی چپ رقم خورد دامن بزنیم. این همان چیزی است که هواداران جبهه‌ی چپ گفته و می‌خواهند. یکشنبه شب، ضمن شادی به خاطر طرد سارکوزی، با خواندن سرود انترناسیونال فریاد زنند که: "ما چیزی را رها نخواهیم کرد".

حزب ما، یکبار دیگر اعلام می‌کند که به وظیفه‌ی خود در جبهه‌ی چپ عمل کرده و برای حضور بیشتر در میان طبقه‌ی کارگر، حضور استوارتر در میان مردم به مبارزه‌ی خود ادامه خواهد داد. این تنها راه برای مبارزه‌ی مؤثر در قبال نفوذ جبهه‌ی ملی است، پیوند با مبارزه‌ی جاری کارگران و خلق برای ایجاد یک بدیل حکومتی، این تنها راه غلبه بر توهم و پراکندگی است، دخالت هرچه بیشتر مردان و زنان، جوانان و نوجوانان جهت سازماندهی بیشتر و بهتر، برای ایجاد بدیل حکومتی را می‌طلبد.

پاریس، ۶/ماه مه/۲۰۱۲

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگران فرانسه

(لا فورژ، ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگران فرانسه)

ترجمه و تکثیر از حزب کارایران (توفان)

.....

ایران در محاصره اقتصادی امپریالیستها قرار دارد. ایران در محاصره نظامی امپریالیستها قرار دارد، ایران در محاصره فرهنگی و تبلیغاتی امپریالیستها قرار دارد، ایران از اعزام تروریست و جاسوس موساد و یا ایرانی تبارهای موسادی رنج می‌برد، ایران از خودفروختگی ایرانیان خودفروخته و یا سازمانهای سیاسی خود فروخته که از اجانب برای فراهم کردن زمینه اسارت... فکری مردم ایران پول می‌گیرند، رنج می‌برد، ایران از تبلیغات و طغفروشانه‌ی مثنی ضد کمونیست، کمونیست نما، رنج می‌برد، ایران از دست مثنی ایرانی خود فروخته که گویا همه مشکلات جهان را ناشی از حضور اسلام در جهان می‌دانند، رنج می‌برد و ایران از صدها بلاهای آسمانی و زمینی دیگر نیز رنج می‌برد. ما در اینجا از رنجی که ایران ما با استقرار جمهوری اسلامی در آن پدید آمده است، که به نقض مستمر حقوق بشر، به نقض آزادیهای دموکراتیک، به نقض شخصیت و کرامت انسانی و... منجر شده است، سخن نمی‌رانیم. ما از رنج مادران و خانواده‌هایی که حتی نمی‌دانند گور فرزندانشان کجاست، سخن نمی‌رانیم. ما از کشوری سخن نمی‌رانیم که آدمکشان حرفه‌ای و دارو دسته‌های مافیائی در ماشینهای ضد گلوله به غارت اموال عمومی مشغولند و هر کدامشان با دارا بودن تابعیت دوگانه بعد از چپاول و دزدی ثروتهای ملی به خارج فرار می‌کنند. ما از ایرانی سخن می‌رانیم، که همه این مشکلات و نتایج فجایع را بر دوش خود تحمل می‌کند. در چنین ایرانی مثنی بیمار روانی، مثنی آدمهائی که به عقده حقارت گرفتار آمده‌اند و در بحران روحی و جنسی به سر می‌برند، بر ارکان قدرت دست انداخته و مدعی‌اند، که همه مشکلات جامعه ما را باید بر اساس توضیح المسایل جنسی و بر محور مسایل و کشش جنسی میان زن و مرد حل کرد. نقل از توفان شماره ۱۴۷ ارگان مرکزی حزب کارایران

آنچه که فروپاشید سوسیالیسم نبود

پاسخی مختصر به سنوال دوست جدید فیسبوک، ولادیمیر که با اشاره به تصاویر کلاسیک‌های مارکسیست، فروپاشی شوروی در دوران گورباچف را پایان سوسیالیسم ارزیابی کرده نمود و استدلال نمود که "سقوط سوسیالیسم" تحت رهبری گورباچف خود مبین نادرست بودن اندیشه‌ی مارکسیسم لنینیسم است.... ترجمه‌ی فارسی متن را در زیر متن انگلیسی ملاحظه فرمائید. دراین رابطه دو پاسخ کوتاه به زبان انگلیسی به دوستان داده‌ایم که ترجمه‌ی آن از نظر خوانندگان عزیز توفان الکترونیکی می‌گذرد:

پاسخ یکم:

دوست عزیز ولادیمیر

از این که به فیسبوک ما رجوع کرده‌اید متشکریم. حزب کار ایران (توفان) بر این باور است که سوسیالیسم واقعی تنها بدیل در مقابل فلاکت سرمایه‌داری و برای خروج از بحران کنونی جهان است (و بوده است) حزب ما بر این باور است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به رهبری رفیق لنین مسیر پیشرفت بشریت را به مردم جهان نشان داد و استقرار سوسیالیسم توسط حزب بلشویک به رهبری رفیق استالین (۱۹۲۰-۱۹۶۰) در شوروی سابق دستاوری عظیم برای طبقه‌ی کارگر جهانی بود. حزب ما معتقد است که آموزش‌های مارکس، انگلس، لنین، و استالین اعتبار و شادابی خود را همچنان حفظ کرده‌اند. دوست عزیز، حزب کار ایران (توفان) در چند دهه‌ی گذشته از ماهیت رویزیونیسم خروشچی که باعث بازسازی سرمایه‌داری در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد نقاب بر داشته است. فروپاشی شوروی سابق نتیجه‌ی اجتناب ناپذیر سیاست‌های ضد انقلابی بود که رویزیونیست‌ها به رهبری خروشچف، برژنف، ... و گورباچف دنبال می‌کردند. هم اکنون این وظیفه‌ی مردم روسیه است که مجدداً سوسیالیسم را در کشور خود برقرار کنند.

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ ماه مه ۲۰۱۲

.....

پاسخ دوم:

دوست عزیز ولادیمیر، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ فصل جدیدی در زندگی مردم شوروی سابق گشود. شرکت مستقیم توده‌ها در زندگی سیاسی کشور به آنها امید و اشتیاق فراوانی داد تا به صورت جمعی گام به پیش بردارند. این پیشرفت با بسیج طبقه‌ی کارگر و مردم شوروی در زیر پرچم حزب پیشرو پرولتاریا، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، تحقق یافت. پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی در دوره‌ی ۱۹۲۰-۱۹۶۰ آن چنان شگرف و قدرتمند بودند که طبقه‌ی کارگر کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی از آنها الهام گرفت و پرچم مبارزه برای برابری و سوسیالیسم را تشدید کرد. برای مثال، در ایالات متحده‌ی آمریکا این مبارزات به استقرار سیستم رفاه اجتماعی، تشکل اتحادیه‌های کارگری انقلابی، تشکل‌های انقلابی زنان برای برابری حقوق زن و مرد، تشکل برای ملیت‌های گوناگون که تحت استثمار شدید سرمایه‌داری بودند و انجامید. کسی که این دستاوردها و پیشرفت را نفی و یا بر آن چشم بپوشاند باید تحت نفوذ سنگین تبلیغات بورژوازی علیه‌ی برابری، سوسیالیسم و پیشرفت باشد. موقعی که حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اثر غلبه‌ی رویزیونیسم بر رهبری آن، ماهیت پرولتری خود را از دست داد ساعت به عقب برگردانده شد و رکود و بازسازی سرمایه‌داری آغاز گردید.

دوست عزیز، میخائیل گورباچف همانند خروشچف یکی از خان‌های رویزیونیست در رهبری حزب گندیده‌ی "کمونیست" شوروی بود با این تفاوت که گورباچف از سیستم نابرابری و استثمار سرمایه‌داری به طور آشکار دفاع می‌کرد. برای خورده بورژواها که شدیداً به فرهنگ بورژوازی آلوده شده‌اند بسیار مشکل است که ماهیت رویزیونیسم مدرن و نقش آن در نابودی سوسیالیسم در شوروی را ببینند.

۲۵ ماه مه ۲۰۱۲

* * * * *

زنده باد لنینیسم، تئوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر امپریالیسم

خروج یونان از اتحادیه اروپا نخستین گام برای حل بحران



دیکته‌ی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و در رأس آن اتحادیه‌ی اروپا به دولت یونان و ادامه‌ی خصوصی سازی‌ها، اخراج سازی‌ها و صرفه جوئی‌های عریان، خشم کارگران و زحمتکشان و عموم مردم یونان را برانگیخته است. حضور قدرتمند جبهه‌ی چپ در انتخابات اخیر یونان و بر افراشتن پرچم مبارزه علیه‌ی سیاست ریاضت اقتصادی و پیکار علیه‌ی زورگوئی‌های اتحادیه‌ی اروپا و در رأس آن دولت امپریالیستی آلمان موجب فلج شدن احزاب راست و سوسیال دموکرات در پارلمان گردیده و گویا نخستین گام برای حل بحران موجود خروج یونان از اتحادیه‌ی پولی اروپا و کلاً از اتحادیه‌ی اروپا خواهد بود. چنین تحولی برای طبقه‌ی کارگر یونان و کل اروپا نوید بخش است و راه را برای تعرض کارگران و زحمتکشان علیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و درهم شکستن سیاست نئولیبرالی هموار خواهد ساخت. اما راه حل نهائی بحران یونان، سوسیالیسم است. سوسیالیسم است که انسان و نه سرمایه را در مرکز جهان قرار داده، برای رفاه و آینده‌ی انسان، جامعه را با برنامه ریزی بنا می کند.

درود بر طبقه‌ی کارگر یونان!
 زنده باد سوسیالیسم!
 مرگ بر سرمایه‌داری و امپریالیسم جهانی!

گزارش کوتاهی از تظاهرات اول ماه مه در سوئد



دهها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان و روشنفکران مترقی و مردمی، امسال همچون سالهای گذشته در شهرهای مختلف سوئد، اول ماه مه روز جهانی کارگر را با برگزاری تظاهرات و راهپیمایی و سخنرانی گرامی داشته و همبستگی بین‌المللی خود را با مبارزات طبقه‌ی کارگر در کشورهای دیگر و جنبش‌های آزادیخواهانه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و علیه‌ی پیمان تجاوز گر ناتو اعلام داشتند. در این مراسم کارگران و زحمتکشان سایر ملل مقیم سوئد به همراه برادران و خواهران هم طبقه‌ی خود خواست‌های مشترک را فریاد می‌زدند و همبستگی انترناسیونالیستی خود را به نمایش می‌گذاشتند. طبق روال همه ساله برای نشان دادن همبستگی انترناسیونالیستی با طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان سوئد، هواداران حزب کار ایران (توفان) همراه با حزب کمونیست سوئد (حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی) به راهپیمایی پرداخته و در تظاهرات با پرچم سرخ حزب شرکت کردند. فعالین حزبی با شرکت فعال و سازمان یافته‌ی خود و پخش هزاران اعلامیه به زبان سوئدی و همین طور پخش بیانیه‌ی حزب به زبان فارسی و نشریات توفان در بین شرکت کنندگان در اجتماعات و تظاهرات گوناگون با برگزاری میز کتاب و بحث و گفتگو در مورد مسائل جنبش کارگری و مسئله‌ی تحریم جنایتکارانه‌ی امپریالیستی و تهدیدات نظامی امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها علیه‌ی ایران به افشاگری و روشنگری می‌پرداختند.

میز کتاب که با پرچم حزب و تصاویر رهبران جنبش کارگری جهانی و جنبش کارگری و کمونیستی ایران و عکس‌های کارگران قهرمان زندانی و آفیش‌های ضد جنگ و تجاوز مزین شده بود مورد استقبال گسترده‌ی شرکت کنندگان قرار گرفت و صدها نفر ضمن عکسبرداری از پرچم حزب برای رفقا آرزوی موفقیت می‌کردند. کمونیست‌های روسی و چینی و آمریکای لاتین و کشورهای آسیائی بخصوص نسبت به تصاویر رهبران جنبش جهانی کارگری علاقه نشان داده و با پرچم حزب عکس یادگاری بر می‌داشتند.

تظاهرکنندگان ابتدا در میدان "مینت توریت" تجمع نموده و سپس به سوی میدان مرکزی استکهلم، میدان "سرگل" به حرکت در آمدند. شعارهایی که فریاد زده می‌شد بیانگر اعلان جنگ طبقاتی به بورژوازی و امپریالیسم و همبستگی با خلق‌های تحت ستم بود. شعار "طبقه علیه طبقه"، شعاری بود که کارگران در نخستین تظاهرات اول ماه مه خود در ۱۲۴ سال پیش طرح کرده بودند و بیان آن امروز در مقابل زوزه‌های آشتی طبقاتی سوسیال فرمیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها برجستگی خاصی به صف کمونیست‌ها می‌داد. شعار "نابود باد سرمایه‌داری، زنده باد سوسیالیسم"، نابود بود امپریالیسم"، نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل، زنده باد فلسطین! سیاست ریاضت اقتصادی متوقف باید گردد! خروج سوئد از اتحادیه‌ی اروپا! از دیگر شعارهای تظاهرات بود. در شرایطی که تمامی رسانه‌های بورژوازی در مورد کشتار مردم فلسطین سکوت مرگ پیشه کرده و با جعل و دروغ به توجیه این تجاوز صهیونیستی مشغولند و در شرایطی که اپوزیسیون بورژوا فرمیست سوئد نظیر حزب چپ سوئد و سوسیال دموکرات‌ها برای بالا بردن آراء خود و جلب افکار عمومی به مسائل پیش پا افتاده مشغولند و روح همبستگی را تهی ساخته و اهمیتی در عمل به مبارزات قهرمانانه‌ی مردم عراق و افغانستان و فلسطین نمی‌دهند، یکی از شعارهای اساسی و مهم تظاهرات اول ماه مه حزب کمونیست "تحریم اسرائیل و همبستگی با خلق قهرمان فلسطین بود". "محکوم کردن دخالت سوئد در امور داخلی افغانستان و خروج فوری قوای نظامی سوئد از خاک افغانستان و زنده باد همبستگی بین‌المللی...." از جمله شعارهایی بودند که در طول تظاهرات فریاد زده می‌شد. این تظاهرات در میدان سرگل و با سخنرانی‌های رهبران حزب با موفقیت به پایان رسید.

صحنه‌ای از آکسیون مشترک فعالین حزب به مناسبت اول ماه مه در هلند



توفان شماره ۱۴۷ خرداد ماه ۱۳۹۱ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahatoufan67.blogspot.com](http://rahatoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توئیتر دیدن کنید.



دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!